

هیچ مردمی در جهان
به اندازه‌ی ایرانی‌ها
از اسلام
آسیب ندیده‌اند

پی‌دادی

ماهnamه‌ی شماره‌ی ۷۸ - سال چهاردهم
نشریه‌ی کانون خردمندی ایرانیان

سه دین ابراهیمی
آموزگاران بد
تفرقه، دشمنی
و کشتار شدند

**اگر در وجود مسلمانها درستی و شرافتی است، بگویند،
مردانِ جنایتکار داعش، دزدانِ ناموس بوکوحرام و آدمکشان الشیاب،
بریدنِ سرِ اسیران را، غارت بانکها و اموال مردمان را، ربودن و تجاوز
به زنان و دختران را و فروش آنها در سر بازارها را، از چه مکتبی و کدام
آموزگاری آموخته‌اند؟**

**اگر در استاد یوهای ورزشی مرد‌های لات و لوت بدد هنی می‌کند
چرا زنها را قنبیه می‌کنید و از دیدن مسابقات محروم شان می‌سازید!؟**

**چه احترامی دارد زنِ مسلمان تحصیل کرده‌ای که باور نمی‌کند و
نمی‌پذیرد در قرآن چه توهین‌هایی به او شده است!**

حسین مهری - صبح ایران

سکولاریسم، نتیجه اجتناب ناپذیر عصر روشنگری

یک نویسنده بریتانیایی در سال ۱۸۴۶ این تعریف را از سکولاریسم کرد «سکولاریسم شیوه و قانون زیستن است که براساس انسان خالص بنای نهاده شده و اندیشه کسانی است که باورهای مذهبی یا خرافی را اطمینان ناپذیر یا باور ناپذیر برای زندگی یافته‌اند» دایره المعارف ویکی پدیا سکولاریسم را چنین دسته بندی کرده است. «بهبود وضعیت زندگی با توجه به مفاهیم مادی زندگی» «روی آوردن به دانش به عنوان تنها وسیله در دسترس انسان» موافقان سکولاریسم می‌گویند گرایش بسوی سکولاریسم و دوری از دین نتیجه اجتناب ناپذیر عصر روشنگری است که در آن گرایش عمومی جامعه به جانب علم و خرد سوق مانده در رویه‌ی ۳

دکتر محمدعلی مهرآسا

بررسی و نقدی در کتابهای موسوم به آسمانی!

قرآن بخش ۴۵ سوره‌ی محمد
این سوره در مدینه نوشته شده و دارای ۳۸ آیه است و همچنان که رسم این گونه سوره‌ها است، سخن از کشتن و گردن زدن است. زیرا محمد با غارت اموال اطراف و اکناف و یهودیان مدینه، ثروتمند و با قدرت شده بود و می‌توانست با مخالفان بستیزد و به جنگشان ببرود و گردن هایشان را بزنند. این تنها سوره‌ای است که به نام محمد مزین در حالی است که الله خیلی پیشتر نام «زید» پسر خوانده محمد را که قبل از غلام محمد بود آورده بود. البته آوردن آن نام برای انجام مراسم عروسی بی بود که محمد با زن پسر خوانده‌اش انجام داد.

این محمد است که از اعراب می‌خواهد در برابر سپاه قریش در مکه، او را یاری دهند تا به راحتی مکه را فتح کرده خود را سلطان نجد و حجاز کند. بله در این آیه باید می‌گفت: «هر که محمد را کمک کند، پس از فتح مکه مال و غنیمت بسیاری نصیبیش می‌شود!!» الله چگونه قدمهای مردمی را که به او کمک می‌کنند ثابت می‌کند و معنای این جفنگ چیست؟

حال به آیه ۱۵ این سوره با دقت بنگرید:

«وصف بهشتی که به افراد پرهیزکار و عده داده شده این است که نهرهایی از آب زلال و گوارا؛ و نهرهایی از شیری که مزه‌اش تغییر نمی‌کند، و نهرهایی از شرابی که برای نوشندگانش لذت آور است؛ و نهرهایی از عسل صاف شده؛ و هر نوع میوه‌ای در آن بهشت وجود دارد؛ و آمرزش خداوند را دارند. آیا آنها مثل کسانی هستند که همیشه برآتشند و آب جوش به آنها خورانده می‌شود که روده هایشان را پاره می‌کند»

می‌بینید این آیه چه اندازه بچگانه است و حاصل یک مغز مجذون؟ دقیقاً محمد مردم را بچه‌هایی لاشعور تصور کرده است که با این جفنگ‌ها فریب می‌خورند و برای نهرهای عسل صاف و شرابهای سکرآور به او می‌گروند. این مرد فکر نکرده است نهر شیر و عسل و نهر شراب چگونه امکان دارد؟ اگر می‌گفت خُم های شراب و کوزه‌های عسل شاید اندکی خردمندانه‌تر بود. واقعاً این توهمات تنها از یک ذهن علیل سرچشمه می‌گیرد. به جهنمی‌ها هم هر روز آب جوش خورانده می‌شود تا روده‌هایشان را پاره کند. وای بر کسانی که با این مهملات باور دارند. شیری که در اثر کهنگی مزه‌اش عوض نمی‌شود چگونه است؟ این دیگر شیر نیست؛ آب گچ است.

هفت ماه موشک حامل مریخ پیمای ایالات متحده در راه بود تا به مریخ رسید و روی آن نشست. در این فاصله نه از بهشت گزارشی فرستاد و نه از جهنم و نه از عرش الله. تمام این مطالب در قرآن، همه توهمات یک مغز بیمار است. کسی نیست به این خداشناسان مُسلم و مؤمن بگوید این خدایتان که یک خونخوار به تمام معنی است؛ باید در این عصر و زمانه به جای پرستش، محاکمه و زندانی شود. و این قرآن درست برضد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل است و باید هم این و هم تورات از میان مردم جمع‌آوری شوند.

آیه ۱۶:

«عده‌ای ظاهراً به تو گوش می‌دهند؛ ولی وقتی از پیش تو بیرون می‌روند، به اهل علم می‌گویند که او چه می‌گفت؟ آنها هستند که خدا بر دشان مُهر زده و از هوای نفس پیروی می‌کنند.»

این سوره در مدینه نوشته شده است. بنا بر این معلوم می‌شود در مدینه نیز مردم می‌دانستند که حضرت چرند می‌باشد و از دانایان می‌پرسیدند که او چه می‌گوید؟ زیرا سخنانش همه خیال و توهם و پندار بافی بوده

دبیله‌ی بررسی و نقدی در کتابهای

آیه ۴: «وقتی با کافران برخوردید، گردشان را بزنید. وقتی بسیاری از آنان را کشید، اسیرانشان را محکم به بند کشید. آنگاه یا منت گذاشته آزادشان کنید یا از آنان خون بها بگیرید تا جنگ تمام شود. اگر خدا می‌خواست، از آنها انتقام می‌گرفت؛ ولی شما را با یکدیگر امتحان می‌کند. کسانی که در راه خدا گشته شدند، خدا پاداششان را از بین نمی‌برد.»

این سوره‌ای است به نام خود محمد. دستکم می‌باشد در این سوره مسالمت و مدارا را رعایت می‌کرد. اما بنگرید چه فرموده است! این است دین اسلام! دین مسالمت و موافقت؛ دین رافت و ترحم؛ گردنهایشان را بزنیدا شما نیک بنگرید که خدا چه اندازه خیرالماکرین است. به حقه و خدعله می‌گوید اگر خدا می‌خواست خودش از آنها انتقام می‌گرفت. خوب پرسش از حضرت الله این است: چرا خودت کافران را نمی‌کشید و انتقام نمی‌گیرید و گشتن آنان را به شمشیر مسلمانان حوالت می‌دهید؟ مگر از نابودی آن همه قوم و ملت درگذشته به سبب اعمال بدشان آیه و سوره ننوشته اید؟ پس چرا اینجا هم شما نیز این کار را انجام نمی‌دهید؟ زیرا جناب الله! تو وجود نداری؛ و چون نیستی، پس کاری هم از تو ساخته نیست و نمی‌توانی انتقام بگیری. محمد این را می‌داند و برای همین است که این همه دروغ و یاوه می‌باشد. سراسر آن داستانها که محمد این را می‌داند و برای همین است که این همه دروغ و یاوه می‌باشد. سراسر آن داستانها که محمد سرهم کرده است و در مورد از بین رفتن اقوام در قدیم به هم بافته است، همه دروغی بی شرمانه است. تو ای الله دروغین وجود نداری که بتوانی برای پیامبر دروغگوییت کاری انجام دهی. تو یک موجود توهمنی و تخیلی هستی که محمد با ذهن علیلش تو را ساخته است که هموطنانش را از تو و عذاب تو بترساند و آن مردمان نیز نه تنها نترسیدند، بل با رشادت به محمد طعنه زده او را دروغگو، حقه باز و مجنون خطاب کردند.

آیه ۷:

«ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری کرده و قدمهایتان را ثابت می‌کند»

حضرت الله!

مگر شما ادعا ندارید که قادر، توانا، قهار، آگاه به همه رموز، خالق جهان و کائنات و آدمیان؛ و بی نیاز از هرچیزید؟ مگر شما آن همه قوم را قبل از بین نبرده بودید؟ مگر شما دریا را برای موسی نشکافتید؟ مگر شما سپاه جرار فرعون را در همان دریا غرق نکردید؟ مگر زینب را به بغل محمد نینداختید؟ پس کمک مردمان مخلوق خود را برای چه می‌خواهید؟ و این مردمان که مخلوق تواند، چگونه کمکی می‌توانند در حق شما بکنند؟... نه این تو نیستی که تقاضای کمک از مردم می‌کنی،

سکولاریسم، نتیجه اجتناب ناپدیدیو..... مانده از رویه‌ی نخست پیدا کرده و از دین و خرافه دور و دورتر شده است.

ایده‌های نخستین سکولاریسم را می‌توان در آثار ابن رشد پیدا کرد. وی معتقد به جدایی دین از فلسفه بود.

دیدگاه سکولاریسم براین پایه نهاده شده است که، زندگی با در نظر گرفتن ارزش‌ها پسندیده است و دنیا را با استفاده از منطق و دلیل، بدون استفاده از تعاریفی مانند خدا یا هر نیروی ماورای طبیعی بهتر می‌توان توضیح داد. در حکومت معنای سکولاریسم عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت و برتری دادن حقوق بشر بر سایر ارزش‌ها متصور هرگزه و دسته است.

واژه سکولار در لاتین به معنای این جهانی، دنیوی - گیتیابی و متضاد با دینی یا روحانی است. سکولاریسم به تقریب معادل واژه‌ی فرانسوی «لائیسیته» است.

جدا شدن نهاد دین و دولت در طی سکولاریزاسیون بدین مفهوم است که مؤسسات خاص سیاسی که تحت کنترل دولت هستند از سیطره مستقیم یا غیرمستقیم دین رها می‌شوند.

سکولاریسم معمولاً در پرتو عصر روشنگری در اروپا مطرح می‌شود. جدایی دین از سیاست در آمریکا و لائیسیته در فرانسه به طرز گسترشده‌یی بر پایه‌ی سکولاریسم رُخ داده است. البته اندیشه جدایی دین و دولت در شرق هم ریشه داشته است. در هند از دوران کهن این اندیشه موجود بوده، دولت نوین هند نیز برپایه ارزش‌ها تشکیل یافته و تا حدودی هم در آن موفق بوده است. جمهوری اسلامی اگرچه حکومتی است از تکنولوژی نوین استفاده می‌کند ولی با هرنوع سکولاریسم و لائیسیته مخالفت می‌ورزد و به نام حکومت دینی حق رُشد روشنگری در اجتماع را از مردم سلب نموده است. اما در اروپا تفکر عضلانی و خردورزانه از وداع با حکومت مسیحی آغاز شده و با شروع قرن هفدهم دید علمی به بدیلی جدی برای دید مذهبی در اروپا، تبدیل گشت. دولت جایگزین کلیسا شد و حتا مالکیت کلیسا تا حدی سلب شد و دولت دارایی‌های قلمروهای اسقف را در اروپا محدود کرد.

در آیه ۳۳ باز هم دستور اطاعت از رسول یعنی خودش را می‌دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسولش را اطاعت کنید و کارهای خودتان را باطل نکنید»

خوب محمد در هنگام نوشتن این سوره، به هدف خیلی نزدیک شده است و تنها مانده است که مکه را فتح کند. لذا باید همچون پادشاهان از مردم اطاعت و فرمانبرداری بخواهد.

من بارها نوشته و گفته‌ام دین اسلام برای زندگی نیست. روش چگونه مُردن است. این دین به علت اینکه آورندۀ‌اش هم نابغه و زرنگ بود و هم ریشه جنون در جمجمه‌اش موج می‌زد، از مردم مرتب می‌خواهد دست از زندگانی دنیا بکشند و تنها و تنها شب و روز مشغول عبادت و ذکر خدایی باشند که ذهن متوهם محمد او را خلق کرده است. تا با مطیع شدن‌شان سلطنت او را مهیا سازند. در حالی که الله محمد، این موجود لا وجود، نه مکان دارد و نه شکل و شباhtش معلوم است و نه اندازه قدرت و قوتش را نشان داده است آیه ۳۶ این سوره:

«زندگی دنیا بازی و سرگرمی و لهو و لعب است اگر به الله ایمان بیاورید و تقوی داشته باشید، پاداش شما را می‌دهد و مال شما را نمی‌خواهد»

دین باید برای بهتر زیستن آدمی به وجود آید و در آن دستورهای زندگی مطرح شود. دین باید به مردم بیاموزد چگونه کار کنند؛ به چه ترتیب کسب روزی کنند؛ چگونه اوقات فراغت و کارشان را بگذرانند چگونه درس بخوانند و دیگر راه و روش نیک برای ادامه حیات را بیابند. زیرا هر موجود زنده، فقط یک بار به دنیا می‌آید و در این یک بار باید کمال استفاده را از این زندگی بکند. اما اسلام امر می‌کند همان یک بار زیستن را نیز فدای آخرت موهوم کنید. این دین همه‌اش دستور می‌دهد چگونه خود را برای مُردن مهیا کنید! دین اسلام دین مرگ و مُرددگان است و به پیروان تنها دنیای موهوم پس از مرگ را نشان می‌دهد که اگر محمد را به سروری پذیرفته باشید پس از مرگ در فاحشه خانه بزرگی که نامش بهشت است برای ابد می‌خورید و می‌لمید و جماع می‌کنید، و اگر مسلمان نشده و به دعوت محمد پاسخ منفی داده باشید، به جهنم می‌روید و سرب مذاب در حلقتان می‌ریزند و از شاخه‌های درخت زقوم در حلقتان فرو می‌کنند ... دنیا بی‌که ساخته مغز گرفتار اوهام پیامبران سامی بوده است، زندگی در دنیا را بازی و لهو و لعب می‌نامند!!

ایرانیان مسلمان از همه جزئیات گشته شدن امام حسین خبر دارند حتا از نوره گذاردن (واجبی کشیدن!) امام متقدی در شب پیش از گشته شدنش، اما همین ایرانیان گرامی هم می‌بینند ماکوچکترین اطلاعی ندارند که امام حسین به جنگ ایرانیان تا مازندران هم آمده و با کمک امام حسین چند هزار ایرانی را گشته است.

برای سفارش کتاب ارزشمند «بررسی و تأملی در کتابهای مشهور به آسمانی - قرآن» نوشته دکتر محمد علی مهرآساها ایمیل Mam1936@COX.net تماس بگیرید
بهای کتاب ۲۰ دلار آمریکا به اضافه‌ی هزینه پست می‌باشد

تفاوت دو فرهنگ ایرانی و اسلامی

* فروردین، فروردنهای پاک، روحبخش - اردی بهشت، بهترین راستی، بهشت برتر - خرداد، رسایی کمال - تیر، ایزد باران - امرداد، جاودانگی - شهریور، شهریاری نیک - مهر، پیوستن به مهربانی - آبان، آبها - آذر، آتش - دی، دانای آفریننده - بهمن، منش نیک - اسفند، آرامش افزاینده.

* محرم، ماه کُشتار بس - صفر، ماه جنگ، تهی از مال - ربیع الاول، ماه اول بهار - ربیع الثانی، ماه دوم بهار - جمادی الاول، یخیندان اول - جمادی الثانی، یخیندان دوم، رجب، بزرگ، ماه نجفگیدن - شعبان، فرقه فرقه و شعبه شعبه شدن، اختلاف بین قبیله‌ها - رمضان، ریگستان داغ - شوال، بالا بُردن دم شتر برای جفتگیری - ذی القعده، دست برداشتن از جنگ - ذی الحجه، ماه زیارت.

یک توضیح - تنظیم کننده سالنامه عربی نمی‌دانسته که بدلیل ۱۱ روز کم بودن سال آنها، ماههای شان در چرخش خواهد بود، مثلاً ماه رمضان گاهی به زمستان هم می‌افتد و یا ربیع آنها همیشه در بهار خواهد بود و این نقص بزرگی در سالنامه قمری مسلمانهاست.

ماندانا شجاع

آخوندها ایرانی نیستند

در روزگاری که ملامحمد باقر شفیع احادیث گوناگونی برای اسلام درست می‌کرد، عده‌ای از ایرانی‌های بجان آمده از ستم آخوندها، هرجا عمامه‌برسی را می‌دیدند، عمامه‌اش را به دور گردن او می‌بستند و او را از جایی آویزان می‌کردند و همه جا شایع بود که هر عمامه‌برسی بیگانه است و از سوریه و عربستان و لبنان آمده است. آخوندها مخفیانه گرد هم آمدند تا راه چاره بجوینند و چاره را در این دیدند که به دنبال نام خود، نام یک محله و شهری را بگذارند تا مردم آنها را ایرانی بدانند و مجازاتشان نکنند و بدین شکل حتا آنها که در عراق و حجاز و شام و هند هم به دنیا آمده بودند خود را ایرانی جازدند و همه آنها با پسوند یک شهر خود را تحمیل ملت کردند، به نام چند تن از اینها نگاه کنید، الموسوی خمینی، موسوی اردبیلی، آذری قمی، بیات زنجانی، معصومی تهرانی، نشاط گیلانی، مصباح یزدی، حکیم کاشانی، هاشمی رفسنجانی، موسوی تبریزی، مکارم شیرازی، محمودی شاهروdi، وحید بهبهانی، منتظری نجف آبادی، نراقی کاشانی، محمد تنکابنی، طباطبائی قمی، زین العابدین لنگرودی، سید کاظم بروجردی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله کاشانی، شریعت‌داری تبریزی، سید حسین بیدآبادی...

ما مرد پرستان

زندگی و مرد پرستی شده است شیوه و سنت و اخلاق جامعه ما، توجه به دیگران هنگامی رُخ می‌دهد که آنان مرد باشند، هر روزه می‌بینیم که ناگهان تمامی رسانه‌ها پُر می‌شود از متابیش کسانی که مرده‌اند، در حالی که در زمان حیات اعتنایی چندانی به آنها نمی‌کردند، خیلی‌ها حتا نام طرف را نیز نشنیده‌اند اما خبر کافی است منتشر شود، همه سوگوار و سینه زن می‌شوند، سایت‌ها و بلاک‌ها و رسانه‌ها پُر می‌شوند از انواع مصاحبه‌ها، رنجلنامه‌ها، نقل قول‌ها، و بیان خاطره‌ها که بیشترشان هم ساختگی است، همه جا پر می‌شود از عکس‌های دونفره و یا در کنار تخت بیمارستان متوفی که اصلاً برای چنین روزی گرفته شده است.

پی بُردن برای ریشه این اخلاق کار سختی نیست، توجه به زندگاهای خرج و زحمت دارد، ایجاد مسئولیت می‌کند، به دوا و درمان نیاز دارد، بدهکاری دارد، کمک می‌خواهد. برآورده کردن این انتظارات کار سختی است. اما مرد پرستی و توجه به مرده‌ها هیچیک از مضرات توجه به زندگان را ندارد. یک مشت حرف مفت و تظاهر به ماتم سرایی دارد که هزینه‌ای ندارد، آدم مرد دیگر خرج بیمارستان ندارد، اجاره خانه‌اش عقب نمی‌افتد، آدم مرد خطری ندارد و نمی‌تواند مُخل موقعیت و منافع ما شود.

حالا نه فقط توجه به او بدون هرگونه زحمت و خرجی است که فواید و منافعی هم می‌تواند داشته باشد، می‌توان نام و اعتبار او را به خود چسباند، و با نقل خاطرات قلابی خود را مطرح کرد و از آب گل آلود ماهی گرفت.

توجه به زندگاهای موجب زحمت و زیان می‌شود، اما توجه به مرده‌ها موجب رحمت و منفعت است، انسان دلال پیشه و فرصت طلب و منفعت‌گرای جامعه امروز ما در هر کاری حساب سود و زیان را می‌کند او کاری با زندگاهان ندارد با مرده‌ها راحت‌تر می‌سازد. و مرد پرستی‌های مذهبی هم دقیقاً در همین روند سود و زیان انجام می‌گیرد، نه بخاطر ایمان قلبی.

مسلمان‌ها دین خود را بهترین، کاملترین و آخرین دین خدا می‌دانند. اما همین مسلمانها کشورهای اسلامی خود را ترک کرده به کشورهای نامسلمان کافر نجس غیر اسلامی پناه می‌آورند و گذاشی در آنجاها را به آقایی در کشور خود ترجیح می‌دهند!

نامه‌های وارد

* چرا اسید؟ مگر چاقو و بُکس و زنجیر کفایت نمی‌کرد؟ چرا زن‌ها را با طناب خفه نمی‌کنند، چرا به آنها شلیک نمی‌کنند، چرا اسید؟ مگر اسید چه فرقی دارد که دیگر آلات جنایت و خشونت ندارند؟ دقت که کردم متوجه شدم. اسید آدم را نمی‌کشد که یکباره راحت شود، زیبایی را نمی‌کشد، سوزش آن بدجوری می‌سوزاند، ذوب می‌کند، نظم را در هم می‌ریزد، می‌ترساند، و ترساننده لذت می‌برد، بمانند خدایشان که در قرآن او هم می‌ترساند و وعده سوزاندن و ذوب کردن می‌دهد. این ولد چموش‌های اسیدپاش دستور الله خود را اجرا نمی‌کنند، آنها بندگان خوب خداوند و سربازان امام زمان هستند.

کوکب تهرانی * یافتم، یافتم، یافتم، چه آسان و راحت متوجه شدم خدایی نیست، همانطورکه می‌دانید داعش تا به امروز سر چند آمریکایی و اروپایی و یک کشیش مسیحی را در جلوی چشم مردم جهان گرد تا گرد بریده است. هیچکدام از این خارجی‌ها حتا آن کشیش، در لحظه بریده شدن سرشان به خدا التماس نمی‌کردند که نجاتشان دهد همه آنها بدون استثناء رو به قاتل شان التماس و گریه می‌کردند.

این غربی‌های دیندار بویژه آن کشیش اگر می‌دانستند خدایی هست و خدا می‌تواند آنها را نجات بدهد چرا بجای التماس از یک نکره زبان نفهم از خدا نمی‌خواستند که به نجات آنها بیاید؟ چون آنها می‌دانستند کسی از آسمان به داد آنها نخواهد رسید و تنها کسی که ممکن است جان آنها را حفظ کند همین جlad خنجر بدست است و نه هیچ کسی و خدایی دیگر. اگر کشیشی در هنگام مرگش هم از خدا یاد نمی‌کند و چیزی از او نمی‌خواهد نشانه‌ی محکمی است که خدایی وجود ندارد و گرنه هر طور بود او در آن لحظات رفتن سر به باد فنا بی‌اعتنای به جlad محکم یقه خدا را نمی‌گرفت.

هیچ دقت کرده‌اید دکتر مهندسان دانشگاه تهران، دکتر مهندسان تحصیل کرده‌ی خارج، دکتر مهندس‌های مشتری هراکز مذهبی، دزدان بازاری تهران، شارلاتان‌های حکومتی، دروغگویان حاکم، داعشی‌ها، بوکوحرامی‌ها دزدان ناموس مردم، استشهادیون پاکستان، طالبان، دزدان دریایی سودان همه و همه رو به یک قبله نماز می‌خوانند!!

هفته پیش چند تا شیشه مشروب خریدم، برای اینکه کسی نفهمد خالیشون کردم توی شیشه گلاب، گذاشتمنش توی یخچال... دیروز رفتم سراغشون دیدم چیزی نمونده. میگم گلابهای من کو؟ مادر بزرگم میگه، سفره ابوالفضل داشتم، همشو شربت کردم دادم مهمونا، دستت درد نکنه مجلس‌مون چه شور و حالی آسید مرتضاعشقی داشت!

* خسته نباشید من یک سید اولاد پیغمبر هستم، خیلی پابند در عقایدم و در پرهیزکاری و عباداتم. در سالهای اخیر آغاز به یک سلسله پژوهش به شاخه وهابیت داشتم تاریخ انحراف آن‌ها را بیابم، در این پژوهش باید کتابهای مربوط به تشیع را هم که تحقیقی بود می‌خواندم، در این پژوهش به مدارکی دست یافتم که تنقضات زیادی در معرفی شخصیت‌های واقعی ائمه معصومین در آن دیده می‌شد، در ادامه جستجوها برای حقایق مسلم‌تر به مدارک معتبر تسنن و شاخه‌های دیگر اسلام دقت بیشتری نمودم و مطالعه کردم. حتا ناچار شدم به دنبال برخی مدارک به ادیان مسیحی و یهودی هم مراجعه کنم و توفیق اجباری شد آن دین‌ها را هم بشناسم. چکیده سخن این که متوجه شدم در همه دین‌ها از انسانها مانند حیوانات اهلی سوء استفاده شده است، با تفاوت این که انسانها را بر عکس حیوانات اهلی، شقی و زهرآگین نموده به درون جامعه می‌فرستند، و خود سازندگان این ادیان در کمین امن و راحت نشسته مانند ماهی‌گیری که در رودخانه زهر ماهی انداخته و در مسیر آب نشسته تا ماهیان کم‌جان و مُرده را با سر فرصت از آب بگیرد.

من سید اولاد پیغمبر سابق، که مردم بی‌آلایش دستانم را به خاطر سید بودن سالها بوسیلندند، اینک با همان خلوص نیت صفحات بیداری شما را که برای نخستین بار است می‌بینم بوسه می‌زنم. موفق باشید.

ashraf_hashemi - سید اشرف هاشمی سابق.
ایمیل این آقا موجود است و از کشور بیرون آمده می‌تواند با هر کس بخواهد پیوند داشته باشد.

* من هرچه دیدم به این فامیل جدیدی که پس از ازدواجم پیدا کرده‌ام می‌گویم که دین و مذهب دروغ و ساخته انسان است باور نمی‌کنند، روزی که همه شان در منزل ما مهمان بودند و جر و بحث مذهبی شروع شد یک ناسزا به امام حسین دادم، آنها خیلی ناراحت شدند و مادر همسرم گفت آقا جواد این حرفها را بزنی ممکن است سنگ بشوی! گفتم اتفاقاً راست می‌گویی، من یک برادری داشتم با هم می‌رفتیم شمال، وسط راه یک امامزاده بود که اتوبوس آنجا توقف کرد، برادر من یک فحش بد جوری به امامزاده داد و همانجا این برادر من سنگ شد! و سنگ او هنوز نزدیک در امامزاده روی زمین افتاده است. این را خیلی جدی گفتم و سکوت همه را در برگرفت، نمی‌دانستند چه بگویند، چون من به تأیید حرف آنها مثالی آورده بودم و از طرفی ته دلشان می‌دانستند که محال است انسان سنگ شود. از آن ماجرا یک سال می‌گذرد و حرف من باعث شد آنها با شک و تردیدی در کل مذهب رویرو شوند و دیوار سنگی مغزشان ترک بردارند. امروز بجز یک تن آنها که خیلی پیر جواد زیبا پرست است بقیه از من هم بی‌دین تر شده‌اند.

بمناسبت اسید پاشی‌ها

نامه یک دختر از اصفهان زخمی

امروز کم مانده بود از گرمای وسط ظهر اصفهان گریه کنم. وای به خرمایزان تابستان و تموز... نزدیک بود حالم بهم بخورد، می‌خواستم مقنعه و ماتتو مشگی بلندم را در بیاورم، فقط گرم بود همین، من مدل نیستم، من مانکن نیستم، فاحشه و تحریک کننده هم نیستم. من فقط گرم است. می‌خواهم این گرم را توی صورت گشته‌ها که از راه میرسند بالا بیاورم. می‌خواهم این مقنعه را که بالحن کثیفت گفته «بکش جلو» دور گردنت بیندازم و بگویم یک روز تمام این را سرت کن، و بعد با همان مقنعه خفهات کنم، همین، خفهات کنم که چپ و راست بمن نگویی من کثیفم، من پلیدم، من عامل فسادم، من چنین و چنانم. و تو تا کی می‌خواهی نان هیزی‌ات را بخوری؟ نان وحشی‌گری‌ات را بخوری؟ تا کی می‌خواهی توی چشم و صورت من و خواهرم اسید پاشی و با هر اسید پاشیدن الله و اکبر بگویی، و شب در کنار مادر و خواهرت سر سفره بنشینی و نان همین وحشی‌گری را در گلویشان فروکنی. تو و دین کثیفت لکه ننک کشورم هستید، بزودی این لکه ننک را پاک خواهیم کرد. زمانش آغاز شده است.

به افشن جوان که نکته‌های نفری به انگلیسی در فیس بوک می‌نویسد نوشتم افشن جان نکته جالبی داری برای بخش انگلیسی ما بنویس و بفرست. او در گذشته این کار را کرده بود. افشن پاسخی تلخ و تکاندهنده داده است که با هم آن را می‌خوانیم.

.... بزرگوار، من دیگه اصلاً برایم مهم نیست که بر سر ایران و ایرانی چی می‌یاد، یک مشت عرب پوست که به سید بودن و مسلمان بودن خودشون افتخار می‌کنند و دست از اسلام نمی‌کشند، همین رژیم و حکومت و دولت از سرشون هم زیاده، جوانی مون رفت، و اسه چی، و اسه کی، ما دیگه نیستیم. با سپاس و درود - افشن

سد سال دیگر در کتاب تاریخ عربها خواهند نوشت. آن زمان که ایرانی‌ها صورت دخترانشان اسید می‌پاشیدند ما دخترانمان را گلبانو می‌فرستادیم کلاس خلبانی!

موسا و محمد در جهنم

خدایا من به تو چه بگویم؟ تو یک سری دین‌هایی فرستاده‌ای که ما به آنها می‌گوییم دین‌های ابراهیمی، موسا و عیسا می‌گویند شراب بخورید، محمد و بها می‌گویند نه نخورید! اگر تو آفریدگار زمین و خورشید و میلیاردها خورشید دیگر در کهکشانها باشی.... در آن صورت بزرگتر از آن هستی که با این پیامبرانت به گفتگو بنشینی و دستورهای متفاوت به آنها بدھی. همانطور که من با مورچه نمی‌توانم گفتگو داشته باشم.

اگر من قطره‌ای از خون خودم را در زیر میکروسکوپ نگاه کنم و بینم یک گلبول خون من به دیگر گلبول‌ها می‌گوید صبح‌ها به یک سو به‌ایستید و به سوی «پرویز» یعنی خود من سه بار خود را تکان بدھید، واضح است که من فوراً پی می‌برم که دروغ می‌گوید، من که با گلبول داخل خونم قادر به گفتگو نیستم، تازه به‌فرض محال اگر من از راه یک گلبول به بقیه گلبول‌ها فرمان بدهم پس می‌توانم به همه گلبول‌ها مستقیماً فرمان بدهم و چراندهم؟

طبق گفته موسا تو آدم و بعد حوا را در بهشت قرار دادی و گفتی میوه درختی را که آنجا بود نخورند! تو آدم و حوا را آفریده‌ای، میل به خوردن را هم در وجود آنها گذاشته‌ای، یک موجود دیگر بنام شیطان را هم آفریده‌ای که آنها را به سوی خوردن آن میوه بیندازد. بعد به آنها می‌گویی نخوریدا!

سپس به بهشت می‌آیی و فریاد می‌زنی «آدم کجا هستی» پس نمی‌دانی او کجاست، بعد از آدم می‌پرسی میوه را خورده‌ای یانه؟ پس نمی‌دانی خورده است یا نه، بعد که متوجه می‌شوی آن‌ها میوه ممنوعه را خورده‌اند می‌گویی اینها از میوه خرد و دانش خورده‌اند و مواطن باشم از میوه درخت عمر جاودان نخورند تا مانند من شوند و چند فرشته را مأمور می‌کنی که آدم و حوا به آن درخت نزدیک نشوند و بعد هم که آنها را از بهشت بیرون می‌کنی. خرد به من می‌گوید این قصه‌ها را موسا از خودش ساخته است.

خدایا تو به من می‌گویی این کار را بکن، آن کار را نکن! چرا مرا طوری نساختی که به گناه و اشتباه نروم؟ پس تو مرا ناقص آفریدی، بعد هم برحسب گناهاتم مرا به جهنم می‌فرستی، تن و پوستم را می‌سوزانی و دوباره پوست و گوشت تازه به من می‌دهی و باز می‌سوزانی ام و در همان حال مار و عقرب هم مرا نیش می‌زنند!

خدایا تو واژه "Recall" را شنیده‌ای؟ در اینجا رسم است اگر یک کمپانی اتومبیل سازی متوجه شود ماشین‌های ساخت او که فروش رفته اشکالی دارد با صاحب اتومبیل تماس گرفته می‌شود و از او می‌خواهد اتومبیل را به تعمیرگاه ببرد تا مجانية تعمیر شود.

تو از بابت اینکه مرا ناقص و گناهکار ساخته‌ای می‌خواهی مرا بسوزانی! یا این پیامبران دروغگو هستند یا تو نمی‌دانی چه می‌کنی و چه می‌خواهی، من آرزو می‌کنم واقعاً جهنمی باشد تا همه این پیامبران دروغگو را در آنجا بسوزانی.

واژه‌های قدس و مقدس نابجا به کار می‌روند!

مطابق فرضیه داروین که امروز دیگر فرضیه نیست و به قانون تبدیل شده است، در مسیر زمان آدمی از تکامل نوعی از شامپانزه به وجود آمده و اندک اندک تکمیل‌تر شده و بر روی دوپا راه رفته و سرانجام شکل شمایل انسان کنونی را به خود گرفته است.

به این ترتیب خالق موجودات زنده روی زمین از آنجمله انسان، آب و نور خورشید است. همین انسان است که مقدس است و باید مقدس باشد. زیرا در سیر تکاملی، مغزش به چنان قدرتی رسیده است که توانست زمین زیر پا و محل سکوتتش را تغییر دهد و از دیگر گرات منظومه خورشیدی مستثنی کند. در واقع بشر رویه زمین را تغییر داد و آن را مطابق میل و شعور خود ساخت. نخست متوجه شد که باید در این خاک کشت و زرع کند و مقداری از غذای خود را که سابق تنها از شکار حیوانات تهیه می‌کرد، به دست آورد و تنها نیازمند شکار نباشد. کشت و زرع در زمین مستلزم وجود اسباب و وسیله بود. و چون به وجود آهن پی بُرده بود و آن را تهیه کرده بود، از همین آهن و گاوآهن و داس و چکش و دیگر ابزار را ساخت که در نهایت به تراکتور و کامپاین رسیده و سرانجام انقلاب صنعتی به چنین روز و احوالی افتاده است که تظاهراتش را می‌بینیم و بعداً به آن می‌پردازم.

زمین‌داری و زراعت بر روی زمین موجب تولید مالکیت شد. زیرا تنافع بقا و حرص آدمی که قسمتی از وجود و ذاتش بود او را واداشت تا با دیگر زمینداران نبرد کند و با گذشت قرون مالکان بزرگی پیدا شدند که هم زمین زراعی گستره داشتند و هم آدمهای مقیم آن زمینها را به صورت نوکر و کارگر و بردۀ درآوردند و مورد سوءاستفاده قرار می‌دادند.

از شما درخواست دارم به زمین و فادر بمانید، نه به آنانی که با شما از امیدهای ماورای زمین و پیامبران آسمانی سخن می‌گویند.

آنها زهرا فشانند، چه خود دانند، چه ندانند. آنها خوار شمارندگان زندگی اند و خود زهر خورده‌ی رو به زوال، که زمین از اینان بستوه است. روزگاری اینان خدایی ساختند، اما خدا مُرد و از پی آن، این کفران کنندگان نیز مُرددند. اکنون کفران زمین سهمگین ترین کفران است. به زمین و فادر بمانید. نیچه - در کتاب چنین گفت زرتشت

در این دنیا هیچ چیز غیراز آدمی مقدس نیست، هیچ وجود مقدسی چه در آسمان و چه در زمین به سبب ارتباط با موهومات و خرافات مابعدالطبیعه وجود ندارد. نه خدایی هست و نه الله و یهوه پدر آسمانی و اهورامزدا وجود دارد. دنیا را ماده ساخته و عناصر شیمیایی در ترکیب خود در عمر میلیاردها سال اشیاء و موجودات و سرانجام کائنات را به وجود آورده است. زندگانی وجود موجود زنده نیز نتیجه حرکت ماده است. اگر ماده در زندگان از حرکت باز بماند، مرگ موجود زنده فرارسیده است، یعنی فنای زندگی بستگی به فنای تحرک ماده در بدن موجود زنده دارد.

هیچ یک از پیامبران و امامان و امامزادگانی که نام و رسمی دارند. نه تنها مقدس نیستند، بل آدمهای فرومایه و مفتخاری بوده‌اند که از نتیجه زحمات و تلاش دیگر مردمان ارتزاق کرده و زندگی شاهانه داشته‌اند. موسی اگر اسطوره‌ای نباشد و سخن و نوشته یهودیان را در تورات پیذیریم و آن را دروغ تصور نکنیم، آدمی زرنگ و قاللاق بوده است که با فرعون مصر هم سر دشمنی و ناسازگاری داشته و هم میخواسته است چون او قدر تمدن و فرمانده باشد. بنا بر این راهش را پیدا کرده است که در برابر فرعون که خود را خدا می‌دانست و خدا معرفی کرد. خدایی بسازد نامربی و نا ملموس و توهی و خود را نماینده‌ی آن خدا معرفی کند تا بتواند با فرعون رقابت و حتا مبارزه کند. محمد در یازده سال آخر عمر کاری جز زنبارگی و آدمکشی نداشت و ثروتمندانه سلطنت کرد. بنابراین هیچ قدرتی و هیچ چیزی خارق العاده در ماوراءالطبیعه وجود ندارد، هرچه هست همین کائنات است با میلیونها کهکشانش که هر کدام میلیاردها کره‌ی ساکن و متحرک را در خود دارند. من کاری به دیگر کهکشانها و منظومه‌ها ندارم به طور یقین در این همه کهکشان و منظومه و سرزمین‌ها امکان زیست وجود دارد و ممکن است در بعضی از آنها از زندگی نشانی باشد. اما آنچه ما می‌دانیم این است که در منظومه خورشیدی تنها گره زمین است که دارای آب و هوا و در نتیجه پدیده‌های زنده از گیاه و حیوان است. البته مطابق آنچه ما اطلاع داریم، زمین در این منظومه استثناء است و به دلیل وجود آب در سطح این گره و تابش نور خورشید برآن، طی میلیاردها سال موجود زنده درون همان آب به وجود آمده و با سیر تکاملی، غالب این موجودات دو زیستیان شده‌اند که هم در آب و هم در خشکی بتوانند بزینند. و سرانجام تعدادی از همین دوزیستان به حیوان نیازمند با اکسیژن تبدیل شده و حیوانات و حشرات روی زمین را به وجود آورده‌اند. شکی نیست هم اینها و هم آنهای که در آبها می‌زیند، همواره در همان سیر تکاملی زندگی را طی می‌کنند و امکان تغییر و تبدیل در آنها وجود دارد و

حسین رحیمی - تهران

محمد خوارزمی

از SiTe خداناباوران آمویکا

دانشمندان زندگی می‌آفایند،

برای آفرینش خدایی لازم نیست.

یک آزمایش دقیق مخالفت اصلی و عمدی این تئوری را که زندگی بر روی کره زمین از مولکول‌های Rebounducleic acid RNA تشکیل شده است را رد کرده است. Rebounducleic acid از خانواده بزرگ مولکولهای زیست‌شناسی است که نقش حیاتی زیادی را در به صورت رمز درآوردن و از رمز خارج کردن و تنظیم و توصیف ژن بازی می‌کند. جان ساترلند Johan Sutterland و همکارانش در دانشگاه منچستر انگلستان نوی Rebounducleotide از مواد شیمیایی ساده‌ای تحت شرایطی که احتمال می‌رود در کره زمین در مرحله اولیه موجود بوده خلق کرده‌اند.

این آزمایش برجسته که هرگز قبل انجام نشده بود فرضیه دنیای RNA را تقویت کرد که می‌گوید زندگی وقتی شروع شد که RNA یک پلی‌مر Polymer وابسته به DNA توانست خود را تکثیر کند و عکس‌العمل سریع از خود نشان دهد. حاصل این عمل سبب تشکیل سوپری از مواد شیمیایی گردید. پیش از این شک زیادی وجود داشت که چنین فعل و افعالی بتواند رُخ دهد.

دانای بلدمان Donna Bladman یک شیمیدان دانشکده امپریال می‌گوید این یک پدیده‌ی بسیار شایسته برای دنیای RNA می‌باشد. هنوز نمیدانیم که این مراحل شیمیایی نشان‌گر آن باشد که در حقیقت چگونه آغاز شده است. پیش از این آزمایش شک زیادی وجود داشت که چنین چیزی اتفاق افتاده باشد. اکنون البته این بدان معنی نیست این همان‌گونه چیزی باشد که دقیقاً زندگی آغاز شده است. ولی این آزمایش یک چیز را ثابت می‌کند و آن اینکه برای تکثیر مولکول زندگی موجودی را بوجود بیاورد یک جادوگر آسمانی لازم نیست، آنچه که لازم است مواد شیمیایی درست، در شرایطی درست می‌باشد و این عمل خود به خود به وجود می‌آید. بنا بر این من در این اندیشه هستم که، ره‌پویان خداوند چه زوایای تاریکی دیگر را برای اثبات وجود خدایشان خواهند پیمود؟

حاضر م شرط بیندم، اگر همین فردا، ملایی در این کشور فتوای دهد، که توالی رفتن گناه است، گاوها یی پیدا شوند که توالی نرون و درون شلوار خود.....ند. عزیز نسین - نویسنده ترک

اسید پاش‌ها

اشتباه فاحش است که مردم از اسید پاش‌ها گله و شکایت کنند اذات اسلام ستیزه جو، زن ستیز، غارتگر، وحشی و خشن است. این آخوندهای یک روی سکه را که الله و محمد رحمان و رحیم است نشان داده‌اند اما یک روی دیگرش را که قاسم الجبارین است، منتقم است، مکرالمکرین است، ترسناک است هنوز درست و حسابی وقت نکرده‌اند که نشان بدھند. هرچه را که بدست اسید پاش‌ها انجام می‌شود در قرآن هست، حضرت علی هم زمانی که مأمور اجرای آزار مردم بود یک نفر را که از ترس گشته شدن پنهان شده بود بنام حویرث ابن نغیض یافت و گردن زد!

هرچه علی در میدان جنگ گشت به حساب دلاوری او بگذاریم اما چرا این یک تن ترسیده و فرار کرده را پیدا کرده و گردن زد و برای همین یک فقره نام قاتل را بخود داد و به حکم قرآن هر کس یک تن را بکشد قاتل تمام بشریت است!

پس ای گمراهان به اسید پاش گیر ندهید، او آمر به معروف و ناهی از منکر است، اگر اعتراضی به این کارها دارید به اسلام و الله و محمد که چنین فرمانی صادر کرده‌اند باید اعتراض کرد. اگر فرمان امر به معروف و نهی از منکر در قرآن است تمام قرآن‌ها را باید سوزانید.

هنگامی که مردم ایران قرآن را به سر می‌گیرند و مثلاً اشک می‌ریزند حق ایراد گرفتن از فرمانش را ندارند. اسید پاش بیچاره در راه الله و برای رفتن به بہشت و بغل کردن حوری اسیدمی‌پاشد. بجای دستگیری و تنبیه باید به او جایزه‌ای تعلق بگیرد، نه این که برای مجازات دنبالش کنیم.

پژمان - ط - ایران

در اسلام با بریدن سر مرغ و خروس در منازل و با بریدن سر گوسفند نذری در معابر و با بریدن سر گاو و شتر زیر پای حاجیان و عروس و دامادها در محله‌ها، مسلمانان را آماده‌ی بریدن سر انسانها و سر هم‌دیگر می‌کنند.

در اسلام با زدن قمه به فرق سر، و با کوییدن زنجیر به پشت که خون فواره کند مسلمانها را آموزش گشتن و نترسیدن از خون‌نریزی می‌دهند. آموزش سنگدل شدن و شکنجه کردن می‌دهند. اسلام انسان را از آدمیت خود بیرون می‌کشد و به حیوانیت وحشی ارتقاء مقام می‌دهد! ایران مانند این مفهوم را آموزش داده شده است که گشتن و غارقیه در آن به همه آموزش داده شده و رحم و مروت از انسان‌ها غرفتیه می‌شود.

سیاوش لشگری

دگرگونیهای لمس‌کردنی غیربرگشت

مدتی است در مراسم گوناگون مذهبی رفتارهای قدیمی دگرگون شده است به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- امروز در مراسم ختم درگذشتگان بجای شنیدن صدای قرآن در بسیاری از شهرها که ایرانیان مهاجر در سراسر جهان ساکن شده‌اند صدای موسیقی آرام بگوش میرسد.

۲- در بسیاری از این مراسم که برای بزرگداشت شخص درگذشته‌ای پا می‌شود شراب سرو می‌شود و از شنیدن جمله فاتحه بخوانید دیگر خبری نیست.

۳- در سر سفره‌های پیمان زناشویی (سفره عقد) بجای قرآن شاهنامه یا حافظ گذارده می‌شود.

۴- گذاردن شاهنامه سرسفره هفت سین بجای قرآن بسیار چشمگیر و روزافزون است.

۵- در گذشته کسی بدون داشتن وضو دست به قرآن نمی‌زد، امروز قرآن را مانند هر کتاب دیگری دست می‌زنند، به کناری پرتش می‌کنند و در هرجاکه بشود می‌گذارند.

۶- سخنرانان مراسم ختم درگذشتگان و عاقدان ازدواج نوع مطالب مذهبی و قدیمی را عوض کرده به زبان پارسی و مطالب متنوع و شنیدنی سخن می‌گویند.

۷- هیچ نوشته عربی را مردم بدون دانستن معنای آن به زبان نمی‌آورند.

۸- در پنج سال نخست انتشار همین ماهنامه بیداری که در دستتان است متعصبهای مذهبی ایجاد مزاحمت‌های فراوان می‌کردد، تهدیدها و ناسزاها را زیادی به صورت کتبی و یا شفاهی و تلفنی داشتیم، با دگرگون شدن اندیشه هم میهنان اکنون بندرت کسی از نوشهای آن عصبانی و از کوره بدر می‌رود.

۹- فروشگاهها و حتا کتابفروشی‌هایی که از پخش این نشریه مخالفت می‌کرددند اینک از درخواست کنندگان اضافه کردن سهمیه خود هستند.

۱۰- نویسندهای جدید و جوان زیادی به کار روشنگری روی آورده‌اند.

۱۱- چند سال است در اشعار سینه‌زنی‌های بعضی دسته‌ها در ایران تغییرات جالبی بوجود آمده و از اشعار بندتبانی مرثیه به شعرهای سنگین‌تر و با معنا تری که گویای روزگار سخت مردم است استفاده می‌کنند، که نمونه‌ی شعرهای آنها را در همین شماره بیداری می‌خوانید.

۱۲- در مراسم درگذشت جوان هنرمندی که ماه پیش در تهران درگذشت، بجای گفتن لا اله الا الله که رسم قدیمی اسلامی است و جزء لانفیک اینگونه دفن و ترحیم هاست مردم ترانه‌های عشقی همان خواننده را می‌خوانند و گیتار می‌زنند و بجای سینه زنی دست می‌زندند و کار آنها کوچکترین تشابهی با مراسم گذشته و معمولی نداشت.

به این شکل ایرانی‌ها در سر پیچ تاریخ لباسهای مندرس خود را درآورده با لباس‌های نویی به سفر دور و دراز آینده گام می‌گذارند. دگرگونی‌هایی که دیگر برگشتنی نیستند. خوش به حال آیندگان.

سخنای برای اندیشیدن

* فرستادن پیامبر توسط خدا، یعنی اینکه محصول من خراب از آب درآمده است، بینم این باباها می‌توانند خرابکاری مرا درست کنند!

* در حمایت زن‌ها از اسلام هیچ منطقی دیده نمی‌شود، مگر این که زن‌ها از خودشان متنفر باشند.

* ملت‌هایی که به‌امید خدا هستند و خود را به دست او سپردند، مُرددند و به بدبوختی افتادند.

* ایکاوش خدا را خردمندان خلق می‌کرددند نه نابخردان

* ۱۴۰۰ سال پیش یک سلمان پارسی داشتیم، امروز بیش از ۵۰ میلیون شده‌اند.

* خدایی که شیطان بیافریند، اندیشه‌اش شیطانی بوده و اشرف مخلوقاتش بهتر از ما نخواهد بود.

* ۱۲۴ هزار پیامبر برای اصلاح بشر کافی نشد، یک شیطان خداوند برای گمراه کردن همه انسانها کافی گردید.

* از خدای اسلام، لاکراه فی الدین اش را باور کنیم «در انتخاب دین مشکلی نیست، بقره ۲۵۶ یا، بیتغ غیرالاسلام دنیا... من الخاسرین اش را «هرکسی بجز دین اسلام دین دیگری برگزیند پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است» آل عمران.

* در روی زمین بی‌نظمی شدید جوی و زمانی، بی‌عدالتی و فقر وحشتناک و دردهای تمام نشدنی انسان، ثابت می‌کند کسی از آن بالا مواظب مانیست و جهان بی‌صاحب است.

انگلیس و دایی جان‌های ایرانی

دایی جان ناپلنون‌های ایرانی در ذهن خود از انگلیسی‌ها سوپرمنی ساخته‌اند و باور دارند این سوپرمن در کار سیاست

همه کشورهای جهان به‌ویژه ایران دست دارد! اما معلوم نیست چرا این سوپرمن هیچگاه مردمی خوشحال و ثروتمند

در کشور خود نداشته است و هیچگاه رفاه کافی برای ملت‌ش نتوانسته پدید آورد، بیشتر مردم انگلستان نسبت به آلمانی‌ها

و فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها و البته آمریکایی‌ها فقیرتر و تنگ دست تر هستند، کوچکترین خانه‌ها را دارند. اگر توریست

به این کشور نیاید به‌ویژه عربها، وضعشان به مراتب بدتر از یونان و اسپانیا می‌شود. این چه سوپرمنی است که شلوار

خودش را نمی‌تواند بالا بکشد اما ایوانی‌ها او را گردانده سایر کشورها و جهان می‌دانند.

شجاع الدین شفا

معمای ادیان

آورده‌ایم ولی در دل خویش بی‌ایمانند.... اینان محکوم بدانند که در دنیا ذلیل باشند و در آخرت نیز به کیفری سخت گرفتار آیند. (مائده، ۴۱). شمار آیه‌هایی که در سالهای مدینه در قرآن به یهودیان اختصاص یافته به ۷۷ بالغ می‌شود که یکی از آنها آیه ۶۵ سوره بقره است که بموجب آن گروهی از یهودیان به فرمان خداوند تبدیل به بوزینه شده‌اند.

یکی از بازتابهای این جدایی تغییر قبله مسلمین از بیت‌المقدس به مکه است و پس از آن درگیری‌های بزرگ و کوچک متعددی است که بین مسلمانها و یهودیها صورت می‌گیرد و آنها را به صورت دو دشمن بـهـجـان هـمـ مـیـ انـداـزـ وـ بـاـ قـدـرـتـمـنـدـ شـدـنـ،ـ مـحـمـدـ دـسـتـ بـهـ کـشـتـارـ گـوـنـاـگـونـ یـهـودـیـهـاـ مـیـ زـنـدـ آـخـرـینـ وـ مـهـمـتـرـیـنـ بـحـرـانـ مـیـانـ مـسـلـمـانـ وـ یـهـودـیـانـ مـدـیـنـهـ بـاـ قـبـیـلـهـ بـنـیـ قـرـیـظـهـ بـزـرـگـتـرـیـنـ وـ ثـرـوـتـمـنـدـتـرـیـنـ قـبـیـلـهـ صـورـتـ مـیـ گـیرـدـ وـ بـهـ شـکـلـ مـهـمـتـرـیـنـ وـاقـعـهـ خـوـنـیـنـ دورـانـ رسـالتـ مـحـمـدـ درـ مـیـ آـیـدـ.ـ پـسـ اـزـ اـیـنـ کـهـ سـعـدـابـنـ معـادـ درـ حـکـمـیـتـ بـیـنـ مـسـلـمـانـ وـ یـهـودـیـانـ رـایـ بـهـ کـشـتـنـ مرـدـانـ بـنـیـ قـرـیـظـهـ مـیـ دـهـدـ.ـ پـسـ بـفـرـمـودـ تـاـ درـ باـزـارـ مـدـیـنـهـ خـنـدقـیـ حـفـرـ کـرـدـنـ وـ یـهـودـیـانـ رـاـ یـکـیـ یـکـیـ آـورـدـنـ وـ گـرـدـنـ زـدـنـ وـ درـ آـنـ خـنـدقـ اـنـدـاخـتـنـدـ تـاـ گـرـدـنـ ۹۰۰ مـرـدـ اـزـ اـیـشـانـ زـدـهـ شـدـ،ـ بـهـ نـوـشـتـهـ اـبـنـ سـعـدـ:ـ «ـاـدـرـ تـامـ اـیـنـ جـرـیـانـ پـیـامـبـرـ خـودـ خـامـوشـ درـ گـوـشـهـایـ نـشـستـهـ وـ نـاظـرـ مـحـازـاتـ دـشـمنـانـ خـداـ وـ خـودـشـ بـودـ،ـ سـرـانـجـامـ درـ فـراـ رسـیدـنـ شـبـ آـخـرـینـ یـهـودـیـانـ بـنـیـ قـرـیـظـهـ درـ نـورـ مـشـعلـهـ سـرـ بـرـیـدـهـ شـدـنـ وـ باـ هـرـ سـرـ تـازـهـایـ کـهـ بـرـیـدـهـ مـیـشـدـ مـسـلـمـانـانـ فـرـیـادـ اللهـ اـکـبرـ بـرـمـیدـاـشتـنـ»ـ.ـ درـ شـمـارـهـ آـیـنـدـ رـفـتـارـ مـحـمـدـ بـاـ مـسـيـحـيـانـ مـدـيـنـهـ.

سفرارش دکتر هو لا کویی

به کسانی که می‌خواهند بچه دار شوند.

باور کنید پرورش گوسفند امروزه علم می‌خواهد چه رسید به پرورش کودک، بچه‌های گیاه نیستند که خودشان بزرگ شوند، اگر مانند گذشته‌ها بچه می‌خواهید که عصای دستان شود بچه دار نشوید، اگر پول کافی ندارید بچه هایتان عقده‌ای بار خواهند آمد و در جوانی کارشان می‌شود عدم حرمت نفس و حسادت به داشته‌های دیگران. باور کنید اگر بچه نیاورید هیچ اتفاق عجیبی نمی‌افتد، جهان اکنون بیش از شش و نیم میلیارد آدم اضافی دارد هر وقت کم شد به شما خبر می‌دهیم که بچه بسازید.

باتوجه به گفته‌هایی که از تورات، انجیل و قرآن درباره «ماز کجا آمده‌ایم» خواندیم و همه نادرست از آب درآمده، چرا باید سخن آنها را درباره «بـهـ کـجاـ خـواـهـیـمـ رـفـتـ» بپذیریم و باور کنیم؟

در نخستین ماه‌های استقرار مسلمانان در مدینه میان محمد و رؤسای سه قبیله یهود موافقنامه‌ای تنظیم می‌شود که متن آن در سیره ابن اسحاق آمده است. این توافقنامه ۵۰ ماده‌ای را که می‌توان آن را نخستین سنگ بنای حکومت اسلامی دانست (بقره، ۸۴) بموجب اولین ماده این توافقنامه مسلمانان مهاجر و کسانی که در خود یشرب (که بعدها مدینه نامیده می‌شود) به اسلام می‌گرایند متعهد می‌شوند که به عنوان یک امت واحد در همه شرایط با یکدیگر همکاری داشته باشند و در ماده‌ای دیگر مسلمانان تعهد می‌کنند یهودیانی را که با آنان دست همکاری داده‌اند با همه امکاناتی که دارند مورد پشتیبانی قرار دهند و تصریح می‌شود در مواردی که مسلمانان و یهودیان دوشادوش هم (با دشمن) می‌جنگند هریک از طرفین می‌باید سهم خود را از هزینه‌های این جنگ پردازند و در صورتی که یکی از آنها به تنها می‌شود حمله قرار گیرد طرف دیگر بدو کمک مالی کند.

با استناد به این قرارداد در ماههای بعداز جنگ بدر که خطر محاصره مدینه از جانب نیروهای قریش و حمله مشترک مشرکین در میان است، محمد از جوامع یهودی و مسلمان مدینه کمک مالی می‌خواهد، ولی یهودیان از دادن کمک بلاعوض بدرو می‌بازند و می‌گویند حاضرند در برابر گرفتن بهره به او وام دهند.

محمد در آن موقع بیاد آورده در تورات وام دادن در برابر گرفتن بهره منع شده است (سفر خروج باب ۲۲، ۲۵)، این مساله بهره خواهی به صورت نخستین مساله مورد اختلاف جدی محمد و جامعه یهودی مدینه در می‌آید و خودداری یهودیان از شرکت بی‌قید و شرط در مبارزه مشترک علیه مشرکان این احساس را در محمد پدید می‌آورد که یهودیان به ظاهر با مسلمانان دوستی می‌کنند و آنها در باطن منافقینی بیش نیستند.

ایه‌های مربوط به منع رباخواری محمد در قرآن یادگار همین دورانند «از آنها بی که به شنیدن سخنان دروغ خو گرفته‌اند و آن دیگرانی که به مال ربا عادت دارند روی بگردان»، «بسیاری از خوراکی‌هایی را که پیش از آن بر یهودیان مجاز بود برای آنان حرام کردیم، زیرا اینان دست برباخواری زدند که بر آنان منع شده بود و از این راه مال کسان را به ناحق خوردن (نساء، ۱۶۰) و (مائده، ۶۳).

با این همه هنوز محمد نمی‌خواهد رشته نزدیکی با یهودیان را بکلی گستته کند، (ای بـنـیـ اـسـرـائـیـلـ،ـ بـدـانـچـهـ بـرـ مـحـمـدـ نـازـلـ کـرـدـیـمـ اـیـمـانـ دـاشـتـهـ باـشـیدـ...ـ آـیـاتـ مـرـاـ بـهـ بـهـایـ اـنـدـکـ نـفـرـوـشـیدـ.ـ (بـقـرـهـ،ـ ۴۱ـ).

خودداری یهودیان از شرکت در جنگ با قریشیان (در کنار محمد) لحن آیات قرآن در مورد یهودیان تغییر می‌کند و روابط بین مسلمانان و یهودیان تیره می‌شود «ای پیامبر توجه به کردار آنانکه بسوی گفر می‌شتابند اندوهگینست نکند، چه آن کسانی که به زیان می‌گویند ایمان

آرش جاویدان

چه بد‌هکاری دارم؟

حقیقت این است که من هیچگاه درخواست نکردم این دنیا را خلق کنند، هرگز و هرگز درخواستی نداشتم که من را به دنیا بیاورند. به من حتاً اجازه ندادند پدر و مادرم را خودم انتخاب کنم، به همین شکل خواهر و برادرم را. از من هرگز پرسیده نشد در کدام کشور و شهر می‌خواهی به دنیا بیایی؟ همه انتخاب‌های اصلی زندگی ام زوری و غیراختیاری بوده است.

بنابراین، چرا این من کاملاً بی‌اختیار و بی‌گناه باید چیزی به یک خدا مدیون باشم و در برابر آن خدا موظف به انجام وظایفی بشوم، و از او بترسم که مرا آفریده است. بعضی‌ها می‌گویند زندگی یک هدیه است که خداوند به انسان عطا می‌فرماید! عجب، پس چرا برای هدیه باید تا آخر عمر هر روز به نیایش و سپاسگزاری، تعظیم و تکریم بیفتیم و پیشانی به خاک بمالیم؟ پس چرا باید به هدیه دهنده، جان و پولمان را بدهیم، هدیه باید مجانی باشد و برای دریافت‌کننده آن وظیفه‌ای ایجاد نکند، آنهم وظایفی به زور، و به ترس از آتش جهنم! ما نمی‌توانیم بر تن کسی به زور لباسی پوشانیم و پول لباس زوری را از او طلب کنیم. یک جای این داستان، این داستان خلیق زورکی و یکطرفه عیب و ایرادی دارد که عقل سالم آن را نمی‌پذیرد. ماجرا ای که هیچ بد‌هکاری و مسئولیتی برای انسان در برابر موجودی ساختگی و ناشناخته به نام خدا ایجاد نمی‌کند.

پیام آوران و مردمانی که از سوی او داستان‌سازی می‌کنند بدون شک دروغگویان بی‌آزم حرفه‌ای هستند که برای سود خود به ساختن چنین موجود نیست در جهانی دست زده‌اند، اگر من سخن آنها را باور ندارم این ارزشمندترین هدیه‌ایست که مغز من به من هدیه می‌دهد. هدیه‌ای بدون کوچکترین درخواستی و بدون کمترین دستوری. آری، از منی که هیچگونه دخالتی در آمدن و انتخاب‌های اصلی زندگی ام نداشته‌ام کسی نمی‌تواند کوچکترین توقعی و طلبی و درخواستی داشته باشد. من بد‌هکار هیچ موجود شناخته شده و شناخته نشده و دینی نیستم، من بیشتر از این که به خدای فرضی بد‌هکاری داشته باشم از او طلبکارم، طلبکار رفع ستم از مردم بی‌گناه جهان، طلبکار رفع گرسنگی از مردم گرسنه، طلبکار توقف جنگ‌های کشنده، توقف و افشاری همه ادیان اختلاف ساز و خونریز. آری ما انسانها همه طلبکار خدایان پنهانی هستیم که کوچکترین اثری از بودن شان در جهان نیست، چه رسید که برآستان این خدایان پیشانی به خاک بمالیم و جان و مال مان را فدای هوس‌های عده‌ای شیاد به نام پیامبر و امام و آخوند و دیندار کنیم.

سینه‌زنی‌های جدید

درست است که هنوز بیشترین مردم کشور ما شدیداً اسلامی هستند اما این بیشترین‌ها نه پیشگام در پیشرفت ایران هستند و نه آینده ایران را می‌سازند، بلکه آینده ایران بدست جوانان و نیروهای بیدار شده از خواب هزار و چهار ساله از هم‌اکنون در حال پی‌ریزی است. وضع بقدرتی سریع پیش می‌رود که حتاً در دسته‌های سینه‌زنی ایرانی‌ها بطور شگفت‌انگیزی به مبارزه با خرافات و رژیم جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. چهار ویدیوی رسیده از سینه‌زنی‌ها جدید با اشعاری که اصلاً دیگر کاری به حسین و حسن و محمد ندارند نشان‌دهنده‌ی دگرگونی بزرگ در اندیشه‌های ایرانیان است همه این ویدیوها در یوتیوب هست و ماهیم داریم اگر کسی خواست می‌توانیم برایش بفرستیم. تکه‌هایی از اشعار این چهار ویدیو را برایتان می‌نویسیم تا ادعای ما را بپذیرید

* ویدیو یکم: جوانی با صدای خوش می‌خواند و بیش از دو هزار نفر که آنها هم همه جوان و خوش لباس هستند بطرزی جدید سینه یا دست می‌زنند و این شعرها را با شور و حال ویژه‌ای تکرار می‌کنند.

ای شهر بی‌آین شده - ای مردم نفرین شده - بیزارم از دین شما - نفرین به آئین شما - از پینه‌ی پیشانی و - دلهای غمگین شما - ای کوفیان بی‌وفا - امروز ماییم و شما - افتاده در غرقاب خون - از عهد سنگین شما - بیزارم از دین شما - ای مردم نفرین شده - نفرین به آئین شما - یک عالمی بیدین شده - از دست این دین شما.....

* ویدیو دوم: در تاریخی دیگر با مذاхی دیگر.

این شهر مُردگان است - آواز تازه ممنوع - این شهر بی‌هیاهو - حرف اضافه ممنوع دارالخلافه آباد - جهل و خرافه آزاد - بیداد پشت بیداد - تن‌های مُرده بُرخاک - مردان زنده در گور - حاشا از این تباہی - تاکی شب و سیاهی - آن روی باورت کو - آن روی دیگرت کو؟

* ویدیو سوم: دور دور دین فروشان است - صحنه آزادگی در خون شناور می‌شود هرجا - دور ظلم ظالمان روزی آخر می‌شود هرجا - باورم کن عشق، باور می‌شود هرجا دور دور دین فروشان است - ای فرمانبران ظلم...

* ویدیو چهارم: هر کدام از ویدیوها در تاریخی جداگانه با مذاخی جداگانه خوانده شده است.

باز بنام خدا - خون کسی شد روا - کوچه پُراز های و هو - شهر پُراز ماجرا - آنچه فراوانی است - وحشت و بیماری است - این چه مسلمانی است - وای به دیندارها - وای به دیندارها - جنگ چرا، بس کنید - چند خدا، بس کنید - چند دروغ و دریغ، گوش به فتوای تیغ - مظلمه‌ی خون کیست این همه کُشتارها - ای همه مفتی و شیخ - چند برادر کُشی - بعض قلم را شکست - لذت کافر کُشی - این چه مسلمانی است - وای به دیندارها - این چه مسلمانی است - وای به دیندارها - وای به دیندارها.

Thinking points for Iranian youth

As the tension in ferguson continue unabated,Muslims are trying to take advantage of the situation and use the racial tensions to build a common bond to recruit even more blacks. They trying to use Michael Brown's death as a leg to stand on to get rid of the anti-terrorism laws.

Teaparty update.com

858-320-0013

با ما با راههای زیر تماس بگیرید:

bidari2@Hotmail.com www.bidari.org

برای ادامه انتشار بیداری محبت کنید بیداری های کتاب شده را برای خود و یا هدیه دادن سفارش دهید. هر جلد خردناهه حاوی ۲۰ شماره بیداری است. بهای هر جلد ۳۵ دلار می باشد

چه زمانه است: ۲۷۲۳ - ۲۵۲۳ هخامنشی - ۲۵۵۳
شاهنشاهی - ۳۷۵۲ زرتشتی - ۵۷۷۵ عبری - ۲۰۲۱
میلادی مهرماه ۱۳۹۳ خورشیدی - ۱۴۵۳ قمری - ۷۰۳۵
آریایی میترا ای

بیداری

نشریه کانون خردمندی ایرانیان

آخوند بی عمامه جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران با ظرفات خاص ایرانی اش و فریبکاری ویژه اسلامی اش توانست هم سر غربی ها را کلاه بگذارد که زمان بخرد، هم خود ایرانی ها را فریب داد که صدایشان در نیاید.

از مسلمانها جز خدمعه و نیرنگ نصیب جهان نشده است.

۱۴۰۰ سال دروغگویی پشتواه پیشرفت اسلام ناب محمدی بوده است. مرگ این اندیشه را نه فقط آرزو که باید عملاً آغاز کرد. به جنبش رهایی از اسلام بپیوندید تا از این مصیبت و گرفتاری بزرگ، ملت خود را هرچه زودتر رهایی بخشیم. برای پیوستن به این جنبش با ما تماس بگیرید ۱۳۰۰-۳۲۰-(۸۵۸)

اگر بهشت و جهنمی هم باشد، حتا یک تن مسلمان به بهشت نخواهد رفت، چون بهشت نمی تواند جایی برای عقب ماندگان، زن آزاران، آدمکشان، دزدان و دروغگویان باشد.

اگر راست می گوید، خدا خودش بجای امام زمان ظهور کند و جهان را به دست یک خونریز دیوانه دیگر نیندازد.

First Std Postage
U.S. Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O.BOX 22777
San Diego, CA 92192
U.S.A
جذبه